

## پرسش ۸۰۹: قسم براءت

السؤال / ۸۰۹: بسم الله الرحمن الرحيم  
وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و  
سلم تسليماً.  
سلام عليكم و رحمت الله و بركاته

أخي الكريم.. سأل أحد الإخوة الأنصار بخصوص قسم البراءة ما يلي:  
برادر گرامی ام!... یکی از برادران انصار درباره ی قسم براءت سؤالات زیر را مطرح  
نموده:

من المعلوم أنّ أحد أدلة القضية هو قسم البراءة والسؤال:  
روشن است که یکی از ادله ی موضوع دعوت یمانى قسم براءت مى باشد. سؤال:

۱- ما هي شروطه؟

۱- شرایط آن چیست؟

۲- هل يحتاج إذن السيد أم لا؟

۲- آیا به اجازه ی سید(ع) نیاز دارد یا خیر؟

۳- فيما إذا طلب الخصم أن يقسم هل نوافق على ذلك؟

۳- اگر دشمن خواست قسم بخورد، با آن موافقت کنیم؟

۴- هل هلاكه يكون في الحال أو ممكن أن يتأخر؟

۴- آیا وی در همان لحظه هلاک می‌شود یا ممکن است این واقعه بعداً رخ دهد؟

۵- وهل من الممكن أن لا يحصل له شيء بعد قسمه؟

۵- آیا امکان دارد پس از قسم خوردنش، چیزی برای طرف مقابل پیش نیاید؟

ثم يقول: سألت عن ذلك لما رأيت بعض الإخوة الأنصار يقفون عن الإجابة عندما يتكلمون في مجلس ويصر الخصم على القسم ويعتبر أن سكوتنا دليل على صحة كلامه في رفضه للحق.

سپس می‌گوید: من به این جهت این سؤال را مطرح کردم که دیدم برخی برادران انصار هنگام سخن گفتن در مجلسی، از پاسخ‌گویی باز می‌ایستند، در حالی که دشمن بر قسم خوردن اصرار دارد و سکوت ما را دلیل بر درستی کلامش در رویگردانی از حق قلمداد می‌کند.

والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

المرسل: أبو حسن - 6 شهر رمضان المبارك 1429

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

ابو حسن - ۶ ماه مبارک رمضان 1429

**الجواب:** قسم البراءة طرحته لهم على أني أقسم لكبرائهم (مراجعهم) إن طلبوا ذلك مني بشرط التصديق بالدعوة، وهذا أكيد يتحقق إن كانوا يؤمنون بقسم البراءة ونزول العذاب بالكاذب خصوصاً إن كان الأمر ادعاء الإمامة التي ورد أن الهلاك حصة مدعيها كذباً وإن بعد حين حتى بدون أن يقسم؛ لأن في إمهاله إغراء للناس خصوصاً مع إيراد الأدلة والحجة؛ ولذا قال تعالى تأكيداً لهذا الأمر (وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ) [الحاقة: 44-46].

پاسخ: قسم برائت که به آنها عرضه کرده‌ام به این صورت است که اگر بزرگان‌شان (مراجع‌شان) از من قسم بخواهند، من برای آنها قسم می‌خورم، به شرط تصدیق دعوت. اگر آنها به قسم برائت و نزول عذاب بر فرد دروغ‌گو ایمان داشته باشند، این واقعه به طور قطع و یقین محقق می‌گردد، به ویژه اگر موضوع درباره‌ی ادعای امامت باشد؛ زیرا در حدیث وارد شده کسی که به دروغ مدعی امامت شود، نصیبش هلاکت است ولو پس از گذشت چندی، حتی بدون اینکه طرف قسم یاد کرده باشد؛ چرا که در مهلت دادن به او، فریب و فتنه‌ی مردمان وجود خواهد داشت به ویژه اگر وی دلایل و برهان‌هایی هم ایراد کند. از این رو حق تعالی در تأکید بر این مطلب فرموده است: (اگر پاره‌ای سخنان را به افترا بر ما ببندد \* با قدرت او را فرو می‌گیریم \* سپس شاه‌رگ قلبش را پاره می‌کنیم). [الحاقة: 44-46]

**فاذا كان مدعي المنصب الإلهي يهلكه الله إن كان متقولاً كاذباً فكيف مع قسمه قسم البراءة هذا؟**

حال اگر کسی که به دروغ مدعی تنصیب الهی باشد خداوند او را هلاک می‌کند، پس چطور با قسم خوردن او (طرف مقابل) قسم برائت موضوعیت می‌یابد؟!

ما ابتغينا إفهامهم إياه كدليل على الحق وصاحب الحق فمع شدة طلبهم وكثرة من يعينهم، ومعلوم أنّ أميركا معهم أخزاهم الله ونجانا من القوم الظالمين بفضلته، ووالله أقسم بعزة ربي وجلاله أن لقاء ربي أحب شيء إلى قلبي وأنّ الموت عندي كشرية ماء بارد في شدة الحر والعطش.

این همان مطلبی است که ما به عنوان دلیلی بر حق و صاحب حق می‌کوشیم به آنها بفهمانیم. با وجود درخواست فراوان آنها و فراوانی تعداد کسانی که کمک کار اینها هستند و روشن است که حتی آمریکا هم با اینها است، خداوند خوار و رسوایشان سازد. خداوند به فضل خودش ما را از گروه ستمکاران نجات داد. والله من به عزت و جلال پروردگارم سوگند می‌خورم که محبوب‌ترین چیزها در قلبم، لقای پروردگارم است و مرگ از نظر من مانند نوشیدن آب سرد در شدت گرما و تشنگی است.

هذا ما أردته من القسم أو قسم البراءة بالخصوص؛ أي أن أقسم لهم. فالقسم عادة يكون ممن يدعي أمراً ما فيكذبه الناس فيقسم لهم على أنه صادق، ولذا أقسم الله سبحانه للناس على صدق رسالة الرسول محمد (صلى الله عليه وآله) فقال تعالى: (فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ) [الذاريات: 23].

آنچه گفتم منظور من از قسم یا قسم براءت بود به خصوص قسمی که برای آنها یاد نمودم. قسم معمولاً از سوی کسی مطرح می‌شود که مدعی امری است که مردم او را دروغ می‌شمارند. وی سوگند یاد می‌کند که راست‌گو است؛ از همین رو است که خداوند سبحان برای مردم بر صدق رسالت حضرت محمد (ص) قسم یاد کرده است. حق تعالی می‌فرماید: (پس سوگند به پروردگار آسمان‌ها و زمین که این سخن، حق و حتمی است، آنچنان که سخن می‌گویید). [الذاريات: 23]

أما أن يأتي شخص يريد أن ينكر دعوة ويكذبها فيجعل القسم دليلاً على بطلانها فهذا السفه بعينه، حيث إن الصحيح البحث في أدلة الدعوة والنظر هل هي تامة وحجة بالغة أم لا، فإن قرّر الإنكار فعليه أن يأتي بالدليل القاطع على الإنكار والتكذيب؛ لأنه يحتاج أن ينقض الدليل وإلا كان محجوجاً عند الناس العقلاء وعند الله سبحانه حيث انه كذب بما لم يحط بعلمه مع تمام الحجة التي لم ينقضها، وربما أن بعضهم حتى بدون أن يسمع الحجة التامة يكذب

این عین سفاهت و بی‌خردی است که اگر کسی می‌خواهد دعوت را انکار و تکذیب کند، بیاید و قسم را دلیلی بر بطلان دعوت عنوان کند؛ چرا که درست آن است که وی در دلایل دعوت، گندوکاو کند و بنگرد آیا این ادله، تام و برهان رسا است یا خیر. اگر در صدد انکار آن برآید، بر او است که دلیل قاطعی بر انکار و تکذیب خود عرضه نماید زیرا او به نقض دلیل نیازمند است، وگرنه از نظر مردم عاقل و خدای سبحان، حجت بر وی تمام گشته زیرا با وجود اینکه حجت بر وی تمام گشته است، او چیزی را تکذیب می‌کند که علمی به آن ندارد و چه بسا برخی از ایشان حتی بدون اینکه حجت را به طور کامل بشنوند، آن را تکذیب می‌نمایند.

قال تعالى: (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ) [يونس: 39].

خدای تعالی می‌فرماید: (چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته و هنوز از تأویل آن بی‌خبر بودند. کسانی که پیش از آنان بودند نیز (پیامبران را) چنین به دروغ نسبت دادند پس بنگر عاقبت کار ستمکاران چگونه بوده است. [یونس: 39].

فنحن قد جنناهم - علماء الشيعة غير العاملين - بما في كتبهم فكفروا  
بوصية رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله) وروايات الأئمة (عليهم السلام) فصدق

عليهم قوله تعالى: (وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) [البقرة: 101]، وأنا أقول لهم لو لم يكن يعلم المؤمن بهذه الدعوة إلا بوصية رسول الله (صلى الله عليه وآله) فتكفيه حجة تامة أمام الله سبحانه وتعالى فيكفي أن يكتبها على كفته لتكون حجة أمام الله، فهل تنكرون حجة من احتج بوصية محمد (صلى الله عليه وآله)؟

ما با آنچه در کتاب‌های ایشان - علمای شیعه‌ی بی‌عمل - درج شده است به سراغشان آمدیم ولی آنها به وصیت پیامبر خدا حضرت محمد (ص) و به روایات ائمه (ع) کفر ورزیدند و از همین رو این گفتار خداوند متعال بر آنها مصداق یافت که: (و آن هنگام که فرستاده‌ای از جانب خداوند بر آنها مبعوث شد که آنچه نزدشان بود تصدیقش می‌کرد، گروهی از اهل کتاب، کتاب خداوند را آنچنان پشت سر خویش افکندند که گویی از آن اطلاعی ندارند) [البقرة: 101]. و من خطاب به آنها می‌گویم: اگر مؤمن به این دعوت جز به واسطه‌ی وصیت رسول خدا (ص) علم نیابد، این خود حجتی رسا و بالغ برای وی در پیشگاه خدای سبحان و متعال است و کافی است که آن را بر کفن خویش بنویسد تا حجتی در برابر خداوند باشد. آیا حجت کسی که با وصیت حضرت محمد (ص) احتجاج می‌کند را انکار می‌کنید؟

فما بالکم والأدلة على هذه الدعوة من روايات الرسول والأئمة (عليهم السلام) من كتب كل فرق المسلمين كثيرة جداً حتى آمن الشيعي والسني والوهابي والاسماعيلي والعلوي وغيرهم؟ فالأولى بالمكذبين إن كانوا على الاعتقاد الحق المرضي عند الله كما يدعون أن يردوا على الأدلة التي جاءت بها دعوة الحق ويثبتوا صحة اعتقادهم الذي نسفته هذه الدعوة وبينت بكل وضوح أنهم في ضلال مبين، مبين حتى للأنعام ولكن ماذا نعمل لمن وصفهم تعالى بقوله: (أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا) [الفرقان: 44]؟

شما را چه می‌شود، حال آنکه دلایل این دعوت از روایات پیامبر (ص) و ائمه (ع) از کتب تمام فرقه‌های مسلمین به حدی زیاد است که حتی شیعه و سنی، وهابی، اسماعیلی، علوی و دیگران به آن ایمان آورده‌اند. بر تکذیب‌کنندگان - اگر بنا به ادعای خودشان عقیده‌ای مورد رضای حق دارند - شایسته است ادله‌ای که دعوت حق آورده را رد کنند و صحت اعتقادشان را که این دعوت ریشه‌کنش نموده و با روشنی هر چه تمام‌تر بیان نمودم که آنها در گمراهی آشکار هستند - که حتی برای چهارپایان نیز آشکار است - ثابت نمایند؛ ولی ما با کسانی که خدای متعال آنها را چنین توصیف کرده است چه می‌توانیم بکنیم: (یا گمان کرده‌ای که بیشترشان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ اینان چون چهارپایانی بیش نیستند، بلکه از چهارپایان هم گمراه‌ترند). [الفرقان: 44]

**و على كل حال إن كانوا يؤمنون بالعقاب والهلاك إن وقع بمن أقسم أو باهل فليؤمنوا لهلاك حيدر مشنت، ولكن أنى لهم هذا وهم شياطين تستفزهم شياطين ويتقافزون كما القروء كلما سمعوا بهذه الدعوة ليجلي الله مسخهم قرده لكل عاقل يعي آيات الله: (فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ) [الأعراف: 166].**

أحمد الحسن

به هر حال، اگر به عذاب و به هلاکت کسی که قسم بخورد یا مباحله کند ایمان دارند، به هلاکت حیدر مشنت ایمان بیاورند، ولی آنها کجا از این مطلب پند می‌گیرند، حال آنکه آنها شیاطینی هستند که شیاطین، آنها را از جای برانگیخته و تحریک نموده‌اند و هرگاه این دعوت به گوش‌شان بخورد، همچون میمون حمله می‌آورند تا به این ترتیب خداوند مسخ شدن آنها به صورت میمون را بر هر فرد عاقلی که آیات الهی را به گوش جان می‌شنود آشکار سازد: (و چون از ترک کردن چیزی که از آن منع‌شان کرده بودند سرپیچی کردند، گفتیم: بوزینگانی مطرود شوید). [الأعراف: 166]

احمدالحسن

